



مجتمع آموزش عالی فقه

مدرسه عالی فقه و اصول

رشته: فقه اسلامی

رساله علمی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان رساله:

اضرار بنفسی از دیدگاه فقه و حقوق

(بررسی مصادیق مستحدثة آن)

استاد راهنما:

یعقوب علی برجی

استاد مشاور:

سید احمد میر خلیل

دانش پژوه:

محمد اکبری

کد تحصیلی: ۱۱۵۲۲۰۵

تاریخ دفاع: ۱۳۸۴/۰۶/۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ

فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا

قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

توبه: آیه ۱۲۲

تقدیر و سپاس

با سپاس فراوان از خداوند تبارک و تعالی که توفیق تهیه این رساله را به بنده عنایت نمود، لازم می بینم از همه کسانی که در تهیه این اثر نقش داشته اند، خصوصاً از استاد راهنما حجة الاسلام و المسلمین دکتر برجی و استاد مشاور حجة الاسلام و المسلمین دکتر میرخلیلی که با راهنمایی ها و مشورت های راه گشا و خالصانه شان بنده را یاری رسانده اند، تقدیر و تشکر کنم. و همچنین از مسئولین و دست اندرکاران واحد کتابخانه و پایان نامه مدرسه عالی امام خمینی (ره) کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و همچنین از آقای شریفی که زحمت حروف چینی و صفحه آرایی آن را عهده دار بودند، تقدیر و تشکر می شود.

اهداء به:

به روح مطهر و منور

اولین بنیان گذار حوزه علمیه تشیع

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

فهرست مطالب

مقدمه :	۹
ضرورت تحقیق :	۹
پیشینه تحقیق :	۱۰
سؤالات تحقیق :	۱۱
روش تحقیق :	۱۱
هدف تحقیق :	۱۲
مشکلات و موانع تحقیق :	۱۲
فصل اول :	۱۳
معنای لغوی و اصطلاحی ضرر، ضرار و اضرار :	۱۴
و تفاوت آنها با یکدیگر :	۱۴
واژه «ضرر» و مشتقات آن در قرآن :	۱۷
به صورت ثلاثی مجرد و مزید :	۱۸
به صورت اسم :	۱۸
فصل دوم :	۲۱
بحث کلی در مورد قاعده «لاضرر» :	۲۲
مقدمه :	۲۲
قاعده در لغت و اصطلاح :	۲۳
الف) تعریف قاعده از دیدگاه علمای شیعه :	۲۳
ب) تعریف قاعده از دیدگاه علمای اهل سنت :	۲۴
فرق بین قاعده فقهیه و مسأله اصولیه :	۲۵
فرق قاعده فقهی و مسأله فقهی :	۲۷
فرق بین قاعده فقهی و قاعده حقوقی :	۲۷
نسبت قاعده «لاضرر» و قاعده «نفسی عسر و حرج» :	۲۸
موارد کاربرد «قاعده لاضرر» در ابواب فقه :	۳۲
الف) جایگاه «ضرر و ضرار» در منابع فقهی شیعه :	۳۲
ب) جایگاه «ضرر و ضرار» در منابع فقهی اهل سنت :	۵۱
۱ - کتاب الامّ :	۵۱
۲ - المغنی :	۵۵
ج) در باب شفعه :	۶۰
۳ - مبسوط :	۶۱
ب) در باب شفعه :	۶۳

فصل سوم	۶۵
طرح و بررسی ادله حرمت اضرار بنفس	۶۶
الف) کتاب:	۶۶
الف - ۱. ولا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ. (۱)	۶۶
۱ - تفسیر مجمع البیان:	۶۶
۲ - تفسیر المیزان:	۶۸
۳ - تفسیر نمونه:	۶۹
۴ - احکام القرآن:	۷۰
۵ - الجامع لأحكام القرآن:	۷۰
الف - ۲. و لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ:	۷۰
۱ - تفسیر نمونه:	۷۱
۲ - تفسیر المیزان:	۷۱
الف - ۳. وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى:	۷۳
۱ - تفسیر نمونه:	۷۴
۲ - تفسیر مجمع البیان:	۷۵
۳ - العروة الوثقی:	۷۵
نظر مقدس اردبیلی:	۸۱
حدیث لاضرر:	۸۴
روایات ضرر از ابواب خاص:	۹۰
۱ - در باب سفارش به همسایه:	۹۱
۲ - در باب یمین:	۹۱
۳ - در باب صوم:	۹۲
ج) اجماع:	۹۴
د) عقل:	۹۶
فصل چهارم	۱۰۱
بررسی موارد استثناء و برخی مصادیق مستحدثه اضرار	
بنفس	۱۰۲
بخش اول	۱۰۲
موارد استثناء حکم حرمت «اضرار بنفس»	۱۰۲
الف) باب جهاد	۱۰۲
عملیات استشهادی:	۱۰۶
ب) امر به معروف و نهی از منکر:	۱۱۰
ج) موارد استثناء از تقیه:	۱۱۱
بخش دوم	۱۱۳
برخی از مصادیق مستحدثه اضرار بنفس	۱۱۳
۱ - استعمال مواد مخدر و سیگار:	۱۱۳
۲ - پیوند اعضا:	۱۱۹
الف) قطع عضو:	۱۲۱
ب) بحث در مورد ایدز و امراض مُسری:	۱۲۴
ج) جراحی پلاستیک و زیبایی:	۱۲۷
خلاصه و نتیجه بحث:	۱۳۰
منابع و مصادر:	۱۳۶

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده:

قاعده «لاضرر» جزء آن دسته از قواعد فقهی است که بر احکام اولیه حکومت دارد و در جاهای مختلف فقه کاربرد دارد، «اضرار بنفس» یکی از زیر مجموعه های این قاعده است. واژه های «ضرر، ضرار و اضرار» از نظر معنی با یکدیگر تفاوت دارند و لغویین به این تفاوت اشاره کرده اند. همچنین در قرآن کریم مشتقات مختلف واژه «ضرر» به معانی گوناگون به کار رفته است.

حکم حرمت «اضرار بنفس» از سه منبع کتاب، سنت و عقل استفاده می شود، در کتاب آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارد که شاخص ترین آنها آیه ۱۹۵ سوره بقره است «و لاتلقوا بایدیکم الی التهلكة» با تمام تفاسیر و گفتگوهایی که در مورد این آیه وجود دارد؛ چون نهی دلالت بر تحریم دارد، القاء نفس در تهلکه حرام است.

در سنت مهم ترین حدیث، حدیث «لاضرر» است که احادیث زیادی با این عنوان در جوامع روایی داریم و این تعدد حداقل به تواتر اجمالی منتهی می شود و اطلاق آن اضرار بنفس را شامل می شود گرچه شأن ورود خاص است، اما می شود از آنها القاء خصوصیت کرد. و عقل، هر عاقلی که به وجدانش مراجعه نماید این مطلب را درمی یابد که نباید به خود «ضرر» وارد نماید.

اجماع، مدعای ما را ثابت نمی کند.

آن وقت از این حکم کلی استثناءهایی هم وجود دارد که در باب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و در باب تقیه مطرح است. و برخی از مستحدثه آن عبارتست از: استعمال مواد مخدر و سیگار، مسأله تمکین زوجه از زوج و وجوب هم خوابگی برای زوج در افراد مبتلا به «ایدز» و بیماری های مسری و احتمال ضرر در جراحی های پلاستیک و زیبایی که شیوع فراوان دارد.

واژه گان کلیدی: لاضرر، اضرار بنفس، قاعده لاضرر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه :

ضرورت تحقیق :

اسلام دین جامع و فراگیری است که تمامی زوایای زندگی را در برمی گیرد و این جامعیت و پاسخگویی به نیازهای دنیوی و دینی بیشتر در «فقه» نمود و ظهور پیدا می کند، اسلام از سلم و صلح و امنیت گرفته شده و در آن ضرر زدن به دیگران، به طبیعت و به خود جایز نیست، فرد مسلمان که پیرو تعالیم انسان ساز و نجات بخش اسلام است وقتی از کنار مسلمان دیگر عبور می کند نباید بی تفاوت باشد بلکه باید سلام کند، و سلام یعنی اینکه از دست و زبان من در امنیت و سلامت هستی، مسلمان با مسلمان دیگر و هم کیش خود، نهایت محبت، مودت و مهربانی را دارد، برای او نژاد، زبان و مرز جغرافیایی معنا ندارد، بلکه متشرّع و متدین بودن به دین اسلام مطرح است.

در «فقه» که برنامه زندگی فردی و اجتماعی یک مسلمان از تولد تا مرگ وجود دارد، ریزترین و جزئی ترین مسائل مطرح گردیده است، بطوریکه در هر حکمی از احکام فقهی ذهن جوّال و پویای فقها می تواند دهها و بلکه صدها فرع مطرح نموده و با توجه به منابع کلی که در اسلام منظور و تعبیه گردیده است، پاسخ های آن سؤالات را داده و احکام فروع مطرح شده را بیابند.

البته بسا سؤالات و مسائلی که در زمانه ما مطرح گردیده و هنوز فقها مجال آن را نیافته اند که پاسخ در خور آنها استخراج نمایند. به تعبیر یکی از اساتید اگر صاحب جواهر با آن دقت و موشکافی علمی اش تمام ابواب فقه را در بیش از چهل جلد

جوهرش به نگارش درآورده، اکنون با توجه به پیچیدگی های دنیای امروز و صدها و هزاران مسأله جدید، باید یک دوره کامل ابواب فقه در بیش از چهارصد جلد بنویسد و مسلماً این کار، از عهده یک فرد برنمی آید و کار گروه های متخصص و خبره است؛ خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، که «فقه» اداره و برنامه ریزی جامعه را به دست گرفته، در حوزه علمیه قم که مرکز فقاقت و پایگاه علوم اسلامی در جهان تشیع بلکه کل عالم اسلام است، گروه های زبده ای تشکیل شده که در حال بررسی مسائل و موضوعات مختلف فقهی هستند.

حقیر یکی از مسائل بسیار جزئی تحت عنوان «اضرار بنفس» را با قلم ناتوان و ذهن عاجز خود و با کمک و راهنمایی های اساتید بزرگوار مورد بررسی قرار داده ام، و ادعا هم ندارم که همه جوانب مسئله شکافته شده و بحث به پایان رسیده باشد، اما امیدوارم که همین توشه اندک مورد عنایت امام زمان عج الله قرار گرفته و بتواند فقاقت خوانندگان را فراهم نماید.

پیشینه تحقیق:

از زمان های دور و آغاز اجتهاد چیزی به صورت قاعده نویسی رواج نداشته و از زمان شهید اول آغاز شده است، بطوریکه خود شهید - رضوان الله علیه - اولین کتاب را به نام «القواعد و الفوائد» و بعد از او فاضل مقداد - رضوان الله علیه - کتاب «نضد القواعد الفقهیه» می نویسد، تا کم کم می رسیم به زمان معاصر که بحث قاعده نویسی رواج پیدا نموده و پیرامون قاعده های مهم تر فقهی و اصولی رساله هایی نوشته شده است، یکی از مهم ترین قواعد فقهی «قاعده لاضرر» است که اکثر فقهاء بنام معاصر رساله مستقل در این باب نگاشته اند. البته فقها بحث «اضرار بنفس» را در ضمن قاعده

«لاضرر» مطرح کرده اند، اما «اضرار بنفس» فقط در همین یک مورد منحصر نبوده و بلکه در ابواب مختلف «فقه» پراکنده است و رساله مستقلی تحت عنوان «اضرار بنفس» یا به نگارش در نیامده یا بنده اطلاع ندارم.
سؤالات تحقیق:

اصل قاعده «لاضرر» از موضوعاتی است که در بیشتر ابواب فقه از آن بحث شده و کاربرد وسیعی دارد، اما «اضرار بنفس» که زیر مجموعه قاعده «لاضرر» است، یعنی ضرر زدن به خود، زیان وارد نمودن به خود و مصداق کامل آن که خودکشی باشد، مسلماً به دلیل آیه ۲۹ سوره نساء «و لا تقتلوا أنفسکم» که صریحاً از خودکشی نهی کرده، حرام است.

اما آیا پائین تر از آن یعنی ضرری که زیان و خسارتش کمتر از قتل باشد جایز است؟ آیا اعمالی از قبیل اهداء کلیه و جراحی پلاستیک می تواند در این موضوع استثناء به شمار آید؟

فرق بین ضرر و ضرار چیست؟ هر دو به یک معنایند یا با یکدیگر فرق دارند؟
با خواندن این نوشتار که به رشته تحریر درآمده است، امیدوارم به این سؤال ها پاسخ داده شده باشد، یا حداقل خواننده را به جستجوی بیشتری در اطراف موضوع وادار نماید.
روش تحقیق:

در این رساله از روش کتابخانه ای و جستجوی یارانه ای استفاده شده به این صورت که ابتدا واژه های کلیدی ضرر، اضرار و اضرار بنفس در کتب فقهی جستجو شده و سپس به سراغ آنها رفته ام و البته مسلّم است که همه منابع را نتوانسته ام جستجو کنم.

هدف تحقیق:

تبیین جدید از قاعده «لاضرر» و همچنین بیان مصادیق مستحدثه و روزآمد اضرار بنفس که زیر مجموعه قاعده «لاضرر» است از جمله اهداف تحقیق است.

اما اینکه آیا در رسیدن به اهداف مورد نظر موفق بوده ام یا نه؟ قضاوت با خوانندگان است.

مشکلات و موانع تحقیق:

جز ضعف علمی بنده مانع دیگری در راه تحقیق وجود نداشت، البته پراکنده بودن منابع و عربی بودن بسیاری از منابع نیز یکی از مشکلات بود، همچنین بعضی از منابع به عربی روز نوشته شده که وقت زیادی از بنده صرف جستجوی لغات شده است.

محمد اکبری

فصل اول

معنای لغوی و اصطلاحی

ضرر، ضرار و اضرار

معنای لغوی و اصطلاحی ضرر، ضرار و اضرار
و تفاوت آنها با یکدیگر:

قبل از پرداختن به هر موضوعی باید واژه‌هایی که در این تحقیق بیشتر با آنها سر و کار داریم تبیین، تعریف و توضیح داده شود، که آن واژه‌ها عبارتند از: ضرر، ضرار و اضرار و مشتقات این واژه.

۱ - **اِضرار:** در فرهنگ فارسی عمید این واژه را این گونه معنا کرده است: ضرر رسانیدن، زیان رساندن، گزند رسانیدن.^(۱)

۲ - **ضِرار:** ضرر زدن، زیان رسانیدن، گزند رساندن به یکدیگر.^(۲)

در کتاب معتبر لسان العرب این واژه‌ها به این صورت توضیح داده شده است:

۳ - **ضرر:** از اسماء خداوند تبارک تعالی، نافع و ضار است چون او کسی است که به هر که بخواهد از مخلوقاتش نفع می‌رساند و هر که را بخواهد ضرر می‌رساند به این دلیل که او آفریننده همه اشیاء است، خیر باشد یا شر، نفع باشد یا ضرر. سپس روایت مشهور را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌آورد و واژه‌ها را این گونه توضیح می‌دهد: هر یک از دو لفظ ضرر و ضرار معنایی غیر از دیگری دارد، لذا معنی قول پیامبر (صلی الله علیه وآله) که فرمودند «لا ضرر» یعنی مرد به برادر خودش ضرر وارد

۱. فرهنگ عمید؛ حسن عمید، ۳ جلدی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۴۶.

نمی کند و «ضرر» ضد «نفع» است، و قول پیامبر (صلی الله علیه وآله) که فرمودند: «و لا ضرار» یعنی هر یک از دو نفر مسلمان به رفیق خودش ضرر نمی زند.

پس «ضرار» عملی است که در معیت دیگری تحقق پیدا می کند و به انجام می رسد اما «ضرر» فعل یک نفر است.

در پایان ایشان چنین نتیجه می گیرد که: ضرر فعل یک نفر است و ضرار فعل دو نفر، ضرر آغاز و ابتدای فعل است و ضرار جزاء و پاداش یا پاسخ بر فعلاست.^(۳)

در القاموس المحيط معنای واژه «ضرر» و مشتقات آن این گونه آمده است: ضرر ضد نفع است یا مصدر است و یا اسم و مشتقات مختلف آن به معنای قحطی، شدت و بدحالی می آید.^(۴)

بیش از این نقل قول از کتب لغویین ضرورت ندارد، در این جا جمع بندی زیبایی را که آقای دکتر مصطفی محقق داماد ارائه داده اند می آورم تا مواضع مناقشه لغویین بر سر معنای واژه «ضرر» و مشتقات آن روشن شود.

«در معنای ضرر لغویین معانی مختلفی ذکر نموده اند که ذیلاً به مواردی از آن اشاره می شود. صحاح اللغه ضرر را خلاف نفع می داند، صاحب قاموس ضرر را ضد نفع معنی کرده و به معنی سوء حال هم آورده است. نهاییه ابن اثیر و مجمع البحرین ضرر را

۳. «فی اسماء الله تعالی: النافع الضار، و هو الذی ینفع من یشاء من خلقه و یضره حیث هو خالق الاشیاء کلها: خیرها و شرها و نفعها و ضررها... و روی عن النبی ۹ أنه قال: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام؛ قال: و لكل واحد من اللفظین معنی غیر الاخر: فمعنی قوله لا ضرر ای لا یضر الرجل اخاه، و هو ضد النفع، و قوله لا ضرار ای لا یضار کل واحد منهما صاحبه فالضرار منهما معاً و الضرر فعل واحد، و الضرار فعل الاثنین، و الضرر ابتداء الفعل و الضرار الجزاء علیه». (لسان العرب، ابن منظور افریقی، ج ۴، ص ۴۸۲).

۴. «الضرر و یضم ضد النفع او بالفتح مصدر و بالضم اسم ضره وجه و اضره و ضاره مضاراً و ضراراً و الضار و راء القحط و الشدة و الضرر و سوء الحال». (القاموس المحيط، فیروزآبادی، بیروت، ج ۲، ص ۱۰۷).

نقص در حق دانسته اند. مصباح المنیر ضرر را به معنای عمل مکروه نسبت به یک شخص یا نقص در اعیان می گیرد.

مفردات راغب اصفهانی ضرر را به سوء حال تفسیر می کند اعم از اینکه سوء حال نفس بخاطر قلت علم و فضل باشد یا سوء حال بدن بخاطر فقدان عضوی از اعضاء و یا بخاطر قلت مال و آبرو... اما کلمه «ضرار» دارای معانی مختلفی است، «ضرار» بر وزن فعال مصدر باب مفاعله است. باب مفاعله دلالت بر اعمال طرفین می کند، پس ضرار که مصدر باب مفاعله است مبین امکان ورود ضرر بر دو جانب است بر خلاف ضرر که همیشه از یک طرف علیه طرف دیگر ایجاد می شود.

معنای اول ضرار، مجازات بر ضرری است که از جانب دیگری به انسان می رسد، معنی دوم ضرار، ضرر رساندن متقابل دو نفر است به یکدیگر. قول سوم این است که «ضرر» در مواردی است که شخصی به دیگری ضرر می رساند تا خودش منتفع گردد و «ضرار» در موردی است که با ضرر رسانیدن به دیگری نقصی عاید خودش نشود. بنابر قول چهارمی که پیروانی دارد ضرر و ضرار دارای معنای واحدی هستند. این معانی چهارگانه در نهایت ابن اثیر هم دیده می شود. صاحب قاموس معنی پنجمی برای ضرار آورده و آن را معادل «ضیق گرفته». در تفسیر ششم ضرار شامل اضرار عمدی و ضرر مشتمل بر اضرار عمدی و غیر عمدی است و چنانچه در مقابل هم قرار گیرند، ضرر، زیان زدن غیر ارادی است و ضرار، ارادی^(۵).

در کتاب الرسائل تألیف امام خمینی (قدس سره) تحت عنوان فوق فرق بین ضرر و

ضرار چنین آمده است:

۵. قواعد فقه (بخش مدنی)، دکتر سید مصطفی محقق داماد، ص ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴.

غالب استعمالات ضرر و ضرار و مشتقات آنها مالی یا نفسی است ولی کاربرد ضرار و مشتقاتش در تزییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت شایع و رایج است. پس ضرار به معنای اخیر غلبه دارد. در قرآن مجید هم هر جا کلمه «ضرر» استعمال شده به معنای ضرر مالی و جانی آمده است. ولی هر جا کلمه «ضرار» آمده به معنای تزییق و ایصال حرج است.^(۶)

واژه «ضرر» و مشتقات آن در قرآن:

ضرر و مشتقات آن از وجوه و نظایر قرآن کریم است و از دیر باز محققان علوم قرآنی کتاب های مستقلی درباره «وجوه و نظایر» به رشته تحریر درآورده اند برای اینکه روشن شود وجوه و نظایر چیست، قسمتی از یک مقاله را از «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی» می آوریم:

«دانستن وجوه و نظایر قرآن کریم از فروع تفسیر است که مفسر قرآن کریم حتماً باید از آن اطلاع داشته باشد، در این علم معانی ای که دارای الفاظ مشترک یا الفاظی که دارای معانی مختلف هستند، مورد بررسی قرار می گیرند. اما نه از آن حیث که لفظ واحد برای معانی مختلف وضع شده باشد بلکه از آن جهت که یک لفظ در معانی مختلف کاربرد و بسامد داشته باشد یعنی در مقام کاربرد منصرف به معنای خاص نشود خواه آن معنی حقیقی، مجازی، استعاری یا کنایی باشد. البته برخی نیز نظایر را در لفظ و وجوه را در معانی دانسته اند.»^(۷)

مشتقات مختلفی از کلمه «ضرر» و در ابواب گوناگون ثلاثی مجرد، مزید، افتعال و مفاعله آمده و در هر کدام هم معانی مختلفی دارد که به قسمتی از آنها اشاره می شود:

۶. الرسائل، امام خمینی، ج ۱، ص ۲۹.

۷. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۲۹۸.

به صورت ثلاثی مجرد و مزید:

۱ - ضرر زدن، ضرر داشتن، زیان رساندن: «و يتعلمون ما يضرهم و لا ينعهم». (بقره: ۱۲۰) و برای نمونه: آل عمران: ۱۲۰، ۱۴۴، ۱۷۶، ۱۷۷؛ مائده: ۴۲، ۱۰۵؛ انعام: ۷۱؛ توبه: ۳۹ و موارد مختلف دیگر.

۲ - آزار رساندن، صدمه زدن: «لن يضرّوكم الا اذى». (آل عمران: ۱۱۱) و نیز نساء: ۱۱۳.

۳ - در باب افتعال به دو معنی:

الف) سوق دادن، کشاندن به اجبار: «ثم اضطره الى عذاب النار» (بقره: ۱۲۶) و نیز لقمان: ۲۴.

ب) قرار گرفتن در ضرورت و مضیقه، مجبور شدن، ترسیدن بر خویشتن: «فمن اضطرّ غير باغ و لا عاد» (بقره: ۱۷۳) و نیز مائده: ۳؛ انعام: ۱۱۹ و ۱۴۵؛ نحل: ۱۱۵.

۴ - در باب مفاعله به صیغه مجهول به معنی: زیان دیدن، متضرر شدن: «لاتضارّ والده بولدها و لامولود له بولده» (بقره: ۲۳۳) و نیز بقره: ۲۸۲.
به صورت اسم:

۱ - به لفظ «ضرار» به معنی: به قصد زیان رساندن و صدمه زدن: «ولاتمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا» (بقره: ۲۳۱) و نیز توبه: ۱۰۷.

۲ - زیان رساننده، صدمه زننده: «من بعد وصیة یوصی بها او دین غیر مضار» (نساء: ۱۲) و نیز بقره: ۱۰۲؛ مجادله: ۱۰.

۳ - «مضطرّ»: درمانده، بلا زده، قرار گرفته در تنگنا: «امن یجیب المضطرّ اذا دعاه و یكشف السوء» (نحل: ۶۴).

۴ - به لفظ «ضرّ» به چند معنا:

الف) ضرر و زیان (مادی و معنوی): «قل اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضرراً و لا نفعاً» (مائده: ۷۶) و نیز اعراف: ۱۸۸؛ یونس: ۴۹؛ رعد: ۱۶؛ طه: ۸۹؛ فرقان: ۳؛ حج: ۱۳.

ب) گمراهی: «قل انی لا املک لکم ضرراً و لا رشداً» (جن: ۳۱).

ج) بدی، صدمه، ناراحتی: «قل فمن یملک لکم من الله شیئاً ان اراد بکم ضرراً او اراد بکم نفعاً» (فتح: ۱۱).

د) کنایه از عذاب: «فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً» (سبأ: ۴۲)

۵ - به لفظ «ضراً» به معانی:

الف) بد حالی، فقر، بیماری، قحطی و گرسنگی و... «و ان یمسک الله بضرّ فلاکشف له الا هو» (انعام: ۱۷) و نیز یونس: ۱۲، ۱۷؛ یوسف: ۸۸ و موارد بسیار دیگر.
ب) بیماری و درد، دوری از اهل و عیال: «و ایوب اذ نادى ربّه انّی مسّنی الضرّ و انت ارحم الراحمین» (انبیاء: ۸۳) و نیز انبیاء: ۸۴.

ج) هلاک، زیان، صدمه: «و ان یرون الرحمان بضرّ لاتغن عنی شفاعتھم شیئاً» (یس: ۲۳).

۶ - به لفظ «ضرر» به معنی: عذر مانع جهاد، نقص عضو، تعطیل قوای بدن: «لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرّ و المجاهدون فی سبیل الله» (نساء: ۹۵).

۷ - به لفظ «ضراً» به دو معنی:

الف) فقر و تنگدستی: «الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ» (آل عمران: ۱۳۴).

ب) بیماری، درد و رنج، بلا و سختی، نقص در مال و جان: «و الصابرين في البأساء
و الضراء و حين البأس» (بقره: ۱۷۷) و نیز بقره: ۲۱۴؛ انعام: ۴۲ و موارد بسیار دیگر.^(۸)

۸. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، ج ۲، ص ۲۲۹۸ و منابع اصلی
عبارتند از: لسان العرب، مجمع البیان، تفسیر جلالین، کشاف، تفسیر رازی در ذیل آیات که آدرس آنها داد
شده است، نویسنده مقاله: محمود سرمدی.